

فرماندهی و کنترل جمهوری اسلامی ایران در حفظ امنیت منطقه خاورمیانه

علی اکبر جعفری *

چکیده

تأمین امنیت ملی در عصر پرشتاب تحولات جهانی به دلیل درهم تنیده‌گی، به فرماندهی و کنترل کارآمد نیازمند است. در این ماتریس پیچیده سیاست بین‌الملل، منطقه خاورمیانه به دلیل نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره به عنوان پرآشوب‌ترین منطقه جهان از فقدان امنیت رنج می‌برد. ایران وارث سرزمینی است که مهد یکی از بزرگترین تمدن‌های جهان بوده است. این کشور در دهه‌های اخیر به دلیل ناامنی‌های برساخته منطقه خاورمیانه متحمل هزینه‌های سنگینی شده است. با توجه به این واقعیت به روش تبیینی در پی پاسخ به این سؤال هستیم که ایران به عنوان یک قدرت مهم منطقه‌ای چگونه می‌تواند ناامنی‌های منطقه خاورمیانه را فرماندهی و کنترل کند تا امنیت پایدارتر ملی تأمین شود؟ فرضیه پژوهش حاضر اینست که این کشور با استفاده از رویکردهای فکری چند وجهی امنیت و نیز با اتخاذ استراتژی همراه‌سازی سایر دولت-ملت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در تأمین و کنترل امنیت خاورمیانه نقش‌آفرین خواهد بود. یافته‌های پژوهش حاکی است، به دلیل اشتراکات فراوان میان ملت‌های منطقه و تحول در نوع نظام‌های سیاسی و برقراری نظام‌های مردم‌سالاری، صلح و امنیت پایدار تأمین خواهد شد. در این پژوهش تلاش شده است توانمندی‌های این کشور در بهره‌گیری از قابلیت‌های سامانه منطقه خاورمیانه و ایجاد ساخت جدیدی از سامانه منطقه امن‌تر تبیین شود.

کلید واژه‌ها

امنیت، ایران، فرماندهی و کنترل، قدرت، منطقه خاورمیانه.

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
a.jafari@umz.ac.ir

مقدمه

در استراتژی کلان هر دولت «امنیت ملی» به‌عنوان یک اصل بنیادین به حساب می‌آید. زیر سیستم خاورمیانه به عنوان یکی از مهم‌ترین ژئوپلیتیک جهان سوم، به طور فزاینده‌ای در خلاء منطقه‌گرایی قرار دارد. تا جایی که خاورمیانه به مثابه «منطقه‌ای بدون منطقه‌گرایی» در ادبیات امنیت بین‌الملل معرفی گردیده است. زیرسیستم خاورمیانه در محافل آکادمیک و عرصه‌های عمومی به‌مثابه ژئوپلیتیک نامنی و منازعه، جنگ و بحران، نگریسته می‌شود. در عصر نوین جهانی‌شدن، میزان تولید بحران و فرآیند امنیت‌زدایی از سوی این منطقه تعمیق یافته است. در دهه‌های اخیر دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه و جهان اسلام متحمل هزینه‌های سنگینی شده‌اند. چالش‌های منازعه میان اعراب و اسرائیل و مداخلات فزاینده قدرت‌های فرا منطقه‌ای (آمریکا) و قدرت منطقه‌ای (اسرائیل)، و همچنین به دلیل ناکارآمدی برخی از دولت‌های عربی وابسته به غرب در تأمین امنیت منطقه‌ای، موجب شده است، امنیت ملی این بخش از جهان به ویژه جمهوری اسلامی ایران به مخاطره بیفتد و برای تأمین آن هزینه فوق‌العاده‌ای بپردازند. در خاورمیانه، همواره مؤلفه‌های امنیت‌زدایی مانند اختلافات مرزی، اختلافات ارزشی و ایدئولوژیک، رقابت‌های ژئوپلیتیک، تروریسم برساخته و غیره وجود دارد. هر چند تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها امروزه از بین نرفته است، اما باید گفت که هم‌اکنون تا آینده نامعلوم، پیامدهای این عوامل به علاوه دومینوی انقلابات در خاورمیانه عربی، مسئله هسته‌ای ایران و مسئله عدم پایداری دولت آمریکا به تعهدات برجام و خروج از آن، مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده امنیت خاورمیانه است. لذا در این شرایط، وقوع هر حادثه‌ای که بتواند کل منطقه را تحت تأثیر خود قرار دهد، وجود دارد.

هم‌اکنون، خیزش‌های جهان عرب، مفروضات دولت‌گرا و تمرکزگرایی سیاست خاورمیانه‌ای را با چالش مواجه ساخته است. جنبش‌های نوین اجتماعی در مراکز شهری، شبکه‌های مجازی همانند کنشگران و کنش‌های حاشیه‌ای، چشم‌انداز سیاسی منطقه را تغییر داده است. بدین ترتیب، پویای «تحول بدون-گذار»^۲ (Asseburg, 2012: 3) همانند تغییرات جاری در منطقه، در مرز بین گذار به سوی دموکراسی و جنگ داخلی در نوسان است و نقش جمهوری اسلامی ایران در کنترل و فرماندهی و نیز تولید امنیت حائز اهمیت است. در این پیوند، به نظر می‌رسد ایران درصدد بازتکوین رادیکال نظم منطقه‌ای نمی‌باشد، بلکه خواستار مدیریت و ارتقای جایگاه و ارزش خود و ملت‌های منطقه می‌باشد.

1. Region without Regionalism

2. Transformation without Transitions

باشد. در واقع، اقدامات نوین در رفتار بیرونی ایران را می توان تلاش برای تحکیم و تحفیظ دستاورد هایی تلقی نمود که متعاقب تهاجم آمریکا به عراق و افغانستان در دسترس ایران قرار گرفته است. در طی سال های بعد از انقلاب اسلامی، تلاش ایران برای ایجاد روابط دو جانبه و چند جانبه با کشور های منطقه ای، چرخشی را در استراتژی سیاست خارجی ترسیم می نماید که از عقلانیت ایدئولوژیک به سوی پراگماتیسم و واقع گرایی گذار نموده است. مصادیق این تغییر پارادایمی را می توان در خیزش شیعیان عراق در سال های پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ مشاهده نمود که تهران همکاری گسترده ای را با آن نشان داده است. همچنین، امروزه حمایت از گروه های اسلامی منطقه توسط جمهوری اسلامی ایران، نشان دهنده اهداف ژئوپلیتیک ملت محوری است که با در پیش گیری سیاست «دفاع تهاجمی»، درصدد عملیاتی سازی سیاست بازدارندگی علیه ایالات متحده آمریکا و حملات احتمالی متحدان استراتژیک آن به این کشور می باشد. مقامات ایرانی تنش های فرقه ای در خاورمیانه را تدبیر مهندسی آمریکا برای تضعیف ثبات اسلامی و حاشیه راندگی ایران می دانند، اما پس از آن جمهوری اسلامی ایران مساعی زیادی انجام داده است تا مدیریت و کنترل منطقه خاورمیانه را در دست بگیرد. با توجه به این واقعیت سؤال اساسی که در این پژوهش مطرح می شود این است، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت مهم و برتر منطقه ای با استفاده از پتانسیل های فوق العاده خود چگونه می تواند نامنی های منطقه خاورمیانه را فرماندهی و کنترل کند تا دولت-ملت های منطقه از امنیت پایدارتری برخوردار شوند؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی تلاش شده است به روش تبیینی و با استفاده از منابع معتبر نقش ایران را در اتخاذ استراتژی همراه سازی سایر دولت-ملت ها و جنبش های آزادی بخش منطقه در تأمین و کنترل امنیت خاورمیانه مورد بررسی قرار دهیم. هدف از این پژوهش معرفی توانمندی های ایران در بهره گیری از قابلیت های سامانه منطقه خاورمیانه از طریق رویکرد فرماندهی و کنترل و به تبع آن ایجاد ساخت جدیدی از سامانه منطقه امن و پایدار در خاورمیانه می باشد.

مبانی نظری

امنیت ملی هر کشور مدام در معرض تهدیدها داخلی و خارجی در درون مرز خویش یا فرامرزی می باشد. مدیریت بحران های نوظهور و ناشناخته نوین، نیازمند وجود سامانه فرماندهی و کنترل اطلاعات هشدار ملی است که قادر می باشد در یک سامانه فرماندهی و کنترل یکپارچه ملی، هدایت بحران را بر عهده داشته و همواره حمله های پیشگیرانه و متعاقب آن، حمله به مرکز انتشار ناامنی و

ایجاد بحران را به گونه ای مؤثر مدیریت نماید (حبیبی، ۱۳۹۵: ۳۸). در این قسمت پس از بررسی مفاهیم نظری فرماندهی و کنترل، رویکرد های نظری و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت منطقه خاورمیانه، تبیین می گردد.

الف. فرماندهی^۱ و فرمان:

هر تصمیمی که به وسیله فرمانده گرفته می شود باید یک تصمیم ناب باشد. از این رو، لازم است قبل از تصمیم، اثر تصمیم خود را در کل سیستم ببیند. بر این اساس باید کلیت سیستم را شناخته باشد و با برخوردی از تفکر راهبردی و درک صحیح و به موقع از اوضاع درونی و بیرونی سیستم، آن هم در فضایی که همه چیز به ویژه از ناحیه دشمن، هوشمندانه فعال است، یک تصمیم راهبردی بگیرد و فرمان خود را صادر کند. این بینش باید در کلیه رده های فرماندهی جاری و ساری باشد. بدهی است هر چه تصمیم گیری بر اساس در نظر گرفتن کلیه عوامل مؤثر باشد و بر اساس استفاده از همه امکانات مؤثر به ویژه با ملاحظه تأثیرات متقابل آنها بر همدیگر صورت گیرد، نتیجه مطلوب تری حاصل می شود و موجب ارتقای کیفیت می گردد (عبدی، ۱۳۹۰: ۴۹) و (میرکمالی، ۱۳۸۵). ذات فرمان در فرآیند شناختی فرمانده نهفته است و در حالت ایده آل فرمانده یک مفهوم قبلی از اعمال محتمل الوقوع که خود یا سیستم فرماندهی و کنترل آنها را تحریک یا بر انگیزته می کنند را داراست، تا بتواند بر اساس آن به دنبال اطلاعات خاصی باشد (عزتی، ۱۳۹۷: ۲). بر همین اساس می توان گفت، اختیار واگذار شده به یک فرمانده برای هدایت، هماهنگی و کنترل نیرو های نظامی فرماندهی نامیده می شود. یک سیستم فرماندهی و کنترل ایده آل می بایست تنها اطلاعات را منتقل کند که به فرمانده کمک می کند.

ب. کنترل و نظارت:

کنترل فرآیندی است که از طریق آن مدیران اطمینان حاصل می کنند که عملکرد سازمان با فعالیت های برنامه ریزی شده تطبیق دارد. در برنامه فعالیت های یک سازمان، هدف ها و روش های دستیابی به آن مشخص است. فرآیند کنترل، میزان پیشرفت به سوی هدف ها را می سنجد و مدیران را قادر می سازد تا انحراف های برنامه ها را کشف کنند و اقدامی اصلاحی به عمل آورند (عبدی، ۱۳۹۰: ۵۰) و (میرکمالی، ۱۳۸۵). مهمترین هدف آن، محافظت از عملکردها و خدمات اساسی و

^۱ . Command

^۲ . Lean Decision

حیاتی سامانه است تا بتوان از این طریق بحران را مدیریت کرد. این موضوع مستلزم مدیریت هم زمان و یکپارچه خصوصیات کیفی حوزه های امنیت و قابلیت اطمینان سامانه است.

پ. پیوند فرماندهی و کنترل

فرماندهی و کنترل از گذشته توسط تحلیلگران و کارشناسان نظامی به عنوان یکی از مهم ترین اجزای عرصه جنگ و میدان های مبارزه شناخته می شد؛ به گونه ای که در عملیات نظامی، هیچ فعالیتی مهم تر از فرماندهی و کنترل نیست و هیچ اقدام مهمی بدون یک فرماندهی و کنترل مؤثر، امکان پذیر نیست (کشتکار، ۱۳۹۵) و (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۸). سازمان دادن پرسنل، امکانات و وسایل، بهره گیری از تجزیه و تحلیل اطلاعات برای طرح ریزی، هدایت و کنترل عملیات را فرماندهی و کنترل گویند. تعریف فرماندهی و کنترل توسط ارتش آمریکا عبارت اند از: اعمال قدرت و جهت دهی یک فرمانده که به درستی تعیین شده، به نیرو های منسوب به او در انجام مأموریت. فرماندهی و کنترل عملیات از طریق چیدمان پرسنل، تجهیزات، ارتباطات، امکانات و روش های به کار گرفته شده توسط فرمانده در برنامه ریزی، هدایت، هماهنگی و کنترل نیروها و عملیات در راستای اجرای مأموریت انجام می شود. این تعریف نشان می دهد که «فرماندهی و کنترل» در وهله اول یک تابع مدیریتی است که از طریق سازماندهی و هماهنگی پرسنل، تجهیزات، ارتباطات و سایر منابع محقق می شود. برخی معتقدند شباهت زیادی بین بحث فرماندهی و کنترل و مدیریت سیستم های غیر نظامی وجود دارد (عزتی، ۱۳۹۷: ۲). فرماندهی و کنترل از گذشته توسط تحلیلگران و کارشناسان نظامی به عنوان یکی از مهم ترین کامپوننت های عرصه جنگ و میدان های مبارزه و همچنین به عنوان ابزاری اساسی برای استفاده کاربر از تجهیزات نظامی شناخته شده است. به علاوه نیاز به سیستم های فرماندهی و کنترل در عرصه های جدید جنگی با وجود نیاز روزافزون به اطلاعات لحظه ای و تصمیم گیری سریع در محیط هایی که به سرعت تغییر می کنند.

مبانی نظریه فرماندهی و کنترل را علومی چون تئوری کنترل، علوم شناختی، تئوری سازمان، نورو فیزیولوژی و تئوری اطلاعات تشکیل می دهند. اصطلاح فرماندهی و کنترل نیز توسط نظریه پردازان برای توضیح مباحث گوناگونی از جمله رفتار پیچیده سازمانی، کاربرد های کامپیوتر، شبیه سازی و کمک به تصمیم گیری، فرآیند های تصمیم گیری، ساختار پست های فرماندهی، ارتباطات و پردازش اطلاعات استفاده می شود (عزتی، ۱۳۹۷: ۲). سامانه های فرماندهی و کنترل بیشتر در شرایط بحران مورد استفاده قرار می گیرند. این بحران ها شامل مواردی مانند بحران های نظامی (نبرد سخت) یا سوانح طبیعی (سیل، زلزله و ...) هستند. از منظر تهدیدشناسی، دو حوزه امنیت و قابلیت اطمینان با

یکدیگر متفاوت هستند. در حوزه امنیت بیشتر تهدیدهای عامدانه با منشأ بیرونی مورد بررسی قرار می گیرند، اما در قابلیت اطمینان فقط تهدیدهای ناخواسته درونی مورد توجه می باشند که بیشتر ناشی از اشکالات خود سیستم در طراحی و ساخت هستند. درست در همین نقطه است که مدیریت و کنترل یکپارچه و ادغام شده امنیت و قابلیت اطمینان در سامانه های فرماندهی و کنترل موضوعیت اساسی پیدا می کند. طبیعی است که پس از اتمام بحران، منشأ تهدید و آسیب پذیری ها و اشکالات موجود در سامانه می تواند به دقت مورد تحلیل و موشکافی قرار گرفته و اصلاحات مورد نیاز در آن انجام شود. سامانه های فرماندهی و کنترل در بیشتر موارد از سامانه های نهفته خاص استفاده می کنند که عملیات مشخصی را کنترل و هدایت می کند. سامانه های نهفته حیاتی اغلب اجزای کلیدی هستند که لطمه به عملکرد آنها کل عملکرد سامانه را با مخاطره مواجه می کند (صادقی، ۱۳۹۵: ۲) و بدون کنترل امکان پذیر نیست. امروزه عملیات روی اطلاعات بیش از به دست آوردن اطلاعات اهمیت پیدا کرده است و حتی شاید بتوان آن را از نظر درجه اهمیت هم تراز با محتوای اطلاعات دانست. همچنین، حوزه فرماندهی و کنترل وسیع تر شده و به سایر رشته های مطالعاتی نیز تسری یافته است. به طور کلی ارکان فرماندهی و کنترل نوین شامل سه جزء می باشد: ۱. جستجو و جمع آوری اطلاعات، ۲. پردازش و تحلیل اطلاعات و ۳. انتقال اطلاعات. جوهره اصلی آن، شناخت آسیب ها و تهدیدها، معرفی نقاط آسیب پذیر و طراحی جامع برای امن کردن سامانه های فرماندهی و کنترل است. بنابراین، در تعریف نوین از رویکرد فرماندهی و کنترل، کاربرد آن صرفاً در بعد نظامی نیست بلکه در سایر ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و قدرت نرم نیز مورد بهره برداری قرار می گیرد.

ایران و امنیت خاورمیانه

به دنبال جنگ دوم جهانی، قدرت در خاورمیانه میان ایران، عربستان سعودی، عراق، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی تقسیم گشته است. در حالی که طی سال های اخیر، چنین پویای های قدرت با تغییرات قابل ملاحظه ای مواجه گشته است. با فروپاشی رژیم بعثی صدام به مثابه مکانیسم توازن بخش استراتژیک در برابر ایران، جمهوری اسلامی ایران توانسته است تأثیرات گسترده ای را بر منطقه بگستراند. سیاست منطقه ای ایران دو ویژگی منحصر به فرد دارد. نخست این که از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸، سیاست خارجی ایران به طور کلی و روابط منطقه اش به طور خاص، بیش از این که با عناصر ایدئولوژیک هدایت گردد، منافع ملی پراگماتیک و رویکرد عملگرایانه را پیش روی خودش قرار

داده است. شناسه دومی که بر سیاست‌های منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد این است که کانون‌های قدرت متنوع، نقش‌های فعالی را در معماری و اجرای سیاست خارجی و نظامی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌نمایند (Bahgat, 2007: 10). استقرار ایران در منطقه استراتژیک و آسیب‌پذیر، تأثیرات گسترده-ای بر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، قفقاز و خاورمیانه و جنوب آسیا دارد. سیاست دفاعی ایران تهاجمی و تجدیدنظرطلبی و تقابلی نمی‌باشد، بلکه ریسک‌گریز است (Chubin, 2000: 50-60). در این پیوند، جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت و کنترل ناامنی منطقه خاورمیانه از مکانیسم‌ها و ساز و کارهای گوناگونی استفاده می‌نمایند.

استراتژی‌های ایران در فرماندهی و کنترل امنیت خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت منطقه‌ای خود استراتژی‌های مختلفی را در پیش گرفته است. استراتژی بزرگ جمهوری اسلامی ایران در راستای تقویت و توسعه جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق سیاست‌های دیپلماتیک می‌باشد. مهم‌ترین بعد این استراتژی بزرگ، قدرت نرم پویای ترویجی می‌باشد.

الف. استراتژی بازدارندگی:

از منظر استراتژیست‌های ایرانی، بازدارندگی نه تنها محور اصلی دکترین نظامی کشور را برمی‌سازد، بلکه استراتژی سیاسی-نظامی بزرگ‌تر کشور را نیز شامل می‌شود. متغیرهای نظامی استراتژی بازدارندگی شامل: توانایی غنی‌سازی داخلی و انرژی هسته‌ای بالقوه، داشتن تسلیحات نظامی، و بسیج مردمی برای دفاع از کشور در مواقع تهاجم و حمایت از امنیت خاورمیانه می‌باشد. اگرچه ممکن است که این استراتژی از منظر ناظران غربی، به معنای تلاش برای هژمونی باشد، اما تهران بازدارندگی را شکل چندلایه دفاع استراتژیک تلقی می‌نماید که نه تنها تا عمق استراتژیک دشمن را فرا می‌گیرد، بلکه تنوعی از ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی را شامل می‌شود. چنین کنش‌هایی بر اساس مفهوم «ابهام استراتژیک» تفسیر می‌شود که مقامات نظامی ایران در زمان پوشیدگی نظام نوین تسلیحاتی به آن اذعان می‌نمایند.

1. Risk- Averse

2. Strategic Ambiguity

- همچنین جمهوری اسلامی ایران بر «شکلیابی استراتژیک»^۱ به‌مثابه بعد دیگر دکترین بازدارندگی خود اشاره می‌نماید؛ باوری مبنی بر این که تلقین بیشتر و روحیه فزون‌تر برای تسلیح‌سازی پایدارتر حریف ضروری است.

- تکیه بر بسیج مردمی به‌عنوان بعد دیگر استراتژی بازدارندگی است. بر این مبنای تلاش برای ممانعت از کنش‌های رقیب در جنگ روانی و اهمیت حفظ و تأمین ذهنیت انقلابی می‌باشد. همچنین، استراتژی بازدارندگی در ترویج روحیه انقلابی و انگیزش مخالفت با حریف، یک معنای داخلی هم دارد. بدین‌گونه که با کاهش نارضایتی، تولید کمیّت و کیفیت، برسازی سنج‌های تدافعی پیشگیرانه، ملاک‌های بازدارندگی، و ایجاد تحرک قومی، اهمیت فراوانی دارد.

ب. استراتژی حمایت از گروه‌های اسلامی غیردولتی:

این استراتژی دارای اهمیت نمادین و سیاسی نیز است. حمایت‌های سیاسی و اقتصادی از اسلام-گرایان شیعی و سنی، یکی از مختصات قدرت ایران می‌باشد که از منظر نمادین، مشروعیت نظام را تقویت می‌نماید. در طی سال‌های گذشته، جمهوری اسلامی ایران درصدد افزایش حیطة نفوذ خود در خاورمیانه از طریق قدرت‌های نرم‌افزاری است. بدین ترتیب، تولید اتحادهای نیابتی، گسترش قابلیت‌های سخت‌افزاری و قدرت نرم‌افزاری به‌عنوان بخشی از سیاست امنیتی ایران درآمده است (Gause, 2007). در طول دهه‌های پس از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران توانسته ارتباط با ملت‌ها و جنبش‌های آزادیبخش خاورمیانه را از طریق قدرت نرم به‌عنوان یکی از ستون‌های سیاست خارجی و استراتژی امنیت ملی مبدل سازد. همچنین، ایران با تقویت اصول انقلابی و دینی خود، بر اذهان و افکار ملت‌های خاورمیانه در برخورد با دولت‌هایی که درصدد کاهش استقلال کشور‌های خاورمیانه و تولید کنندگان نامنی در منطقه هستند، تأثیرگذار بوده است.

پ. تلاش برای جلب افکار عمومی و نخبگان دولت‌های منطقه:

در حقیقت این استراتژی، نشانگر کنش تبلیغاتی تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که در مقابله با استراتژی جنگ روانی و شبکه‌ای آمریکا و متحدان استراتژیک، درصدد تقویت مخالفت افکار عمومی منطقه از حضور آمریکا می‌باشد. این استراتژی که از منظر برخی تحت عنوان استراتژی «خیابان عرب»^۲ عنوان می‌شود، بر محور منازعه فلسطین قرار دارد که در کنار حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله در جنگ سال ۲۰۰۶ با اسرائیل و تلاش برای دستیابی به انرژی هسته‌ای،

1. Strategic Patience

2. Arab Street

مشروعیت منطقه‌ای ایران را افزایش داده است (Gause, 2007: 48). در این پیوند، روابط منطقه‌ای ایران بیشتر بر دغدغه‌های استراتژیک و مقابله با سیطره اسرائیل و آمریکا و تضعیف سامانه‌های امنیتی واشنگتن با متحدان منطقه‌ای آن تمرکز یافته است. تلاش‌های ایران در سطح دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای یکی از روش‌هایی بوده است که تهران برای ممانعت از برقراری رابطه کشورهای عربی زیر-سیستم خاورمیانه با ایالات متحده آمریکا به کار می‌بندد. علاوه بر استراتژی‌های فوق، استراتژی آینده پژوهی موازنه تهدید برای تأمین امنیت پایدار منطقه خاورمیانه، پیشنهاد داده می‌شود.

ت. استراتژی موازنه تهدید با محوریت ایران

دولت‌ها در سیاست خارجی خود برای تأمین اهداف و منافع ملی از ابزارها و شیوه‌های مختلفی بهره می‌گیرند. نحوه به‌کارگیری استراتژی‌ها و تکنیک‌ها باید با میزان توانمندی‌ها و نیز موفقیت آنها در تأمین منافع ملی ارتباط منطقی داشته باشد. «استفن والت» به عنوان یکی از مهم‌ترین رئالیست‌های تدافعی نئوکلاسیک، با بازنگری از نظریه موازنه قوا، نظریه «موازنه تهدید»¹ را مطرح نمود. برخی از مهم‌ترین مفروضات این اتحاد عبارتند از: دولت‌ها در مقابل دولت‌هایی که منشأ بیشترین تهدید هستند، متحد می‌شوند. بنابراین، دولت یا دولت‌های تهدیدکننده لزوماً جزء قوی‌ترین دولت‌ها نیستند، متحد می‌شوند. منظور از تهدید صرفاً به‌میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه تصویری که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند، مدنظر است. هراندازه تهدیدات خارجی شدیدتر باشد به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود و نظام به لحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار خواهند شد. والت «تهدید» را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل نظیر توانایی‌های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند. یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به‌وجود آمده به‌هنگامها تبدیل شود (Walt, 1987: 1-12). بنابراین بر اساس این نظریه، هرگاه دولت‌ها احساس کنند موجودیت یا منافع آنها توسط سایر دولت‌ها با تهدید فوری روبه‌رو است، با اتحاد با یکدیگر، به موازنه در برابر آنها می‌پردازند.

جمهوری اسلامی ایران با همراه‌سازی «دولت-ملت‌های اسلامی خاورمیانه»، در مقابل دولت‌های «آمریکا و اسرائیل و سایر قدرت‌های مداخله‌گر» که منشأ بیشترین تهدیداند، متحد می‌شوند و به شکل‌دهی «موازنه تهدید» و یا «اتحاد متقابل» روی می‌آورند. مهم‌ترین چالش اجرای موازنه تهدید در میان دولت‌های اسلامی به ویژه در منطقه خاورمیانه عربی وجود نظام‌های سیاسی استبدادی و غیر-

¹. Balance of Threat

مردمی است. این عامل موجب می‌شود تا مردم از حق تعیین سرنوشت خود محروم بمانند و در نتیجه کشورها و نظام منطقه‌ای به سمت وابستگی نامتقارن سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای سوق پیدا کنند.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با به‌کارگیری از رویکرد واقع‌بینانه و اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و اعتماد-سازی در منطقه توسط رؤسای جمهور مختلف این کشور، علی‌رغم ناملایمات رفتاری دولت‌های عرب، توانسته است تأثیر قابل توجهی بر اذهان ملت‌ها و جنبش‌های رهایی‌بخش منطقه به جای بگذارد. به عقیده «جیمز آلن بیل» استاد کالج ویلیام مری، ایالات متحده آمریکا درصدد کنترل و جلوگیری از هژمونی منطقه‌ای ایران در مرکز ثقل ژئواستراتژیک و ذخایر طبیعی است (بیل، ۱۳۸۱: ۱۰۹). بر اساس این واقعیت، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌مثابه یکی از ستون‌های اصلی تأمین‌کننده امنیت و با رویکرد اعتمادسازی در منطقه خاورمیانه نقش‌آفرین باشد. باید در نظر داشت مجموعه اختلافات دولت‌های اسلامی خاورمیانه چه از لحاظ حجم و چه از جهت پیچیدگی، از اختلافاتی که برای سالیان طولانی میان دولت‌های اروپایی وجود داشت فراتر نمی‌رود. اگر ملت‌های اروپایی توانسته‌اند بیاموزند که منافع مشترک را بر اختلافات مشترک ترجیح دهند، بی‌گمان ایرانیان و عرب‌ها نیز توان آن را دارند که منافع پیوندهای مشترک میان خود را بر اختلافات موجود اولویت دهند (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۶۸). رفتار مداخله‌گرایان و توسعه‌طلبانه متحدان استراتژیک (آمریکا-اسرائیل) در منطقه خاورمیانه و حضور دائم در اطراف قلمرو جمهوری اسلامی ایران، تعادل طبیعی قدرت در سطح منطقه را به هم ریخته و به ایجاد ناامنی و بی‌اعتمادی میان دولت‌های اسلامی خاورمیانه منجر شده است. با روی کار آمدن باراک اوباما، با اعلام سیاست «تغییر»^۱ و دونالد ترامپ با سیاست یکجانبه‌گرایانه و بازنگری رفتار امپراطورگونه در سیاست خارجی این کشور در برخورد با مسائل خاورمیانه، نه تنها بر میزان ناامنی در خاورمیانه کاسته نشده است؛ بلکه اقدامات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آنها همانند دولتمردان قبلی این کشور همچون دولت بوش، موجب تولید خشونت شده است.

بر اساس نتایج نظرسنجی‌های به عمل آمده توسط «مؤسسه زاگ بای»^۲، گرایش به اتحاد منطقه‌ای در میان ملت‌های اسلامی منطقه و نگرش منفی نسبت به حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه رو به افزایش است (خوزه مرکوری، ۱۳۸۲: ۴۰-۳۸). در حال حاضر خاورمیانه بزرگ‌ترین مسابقه تسلیحاتی جهان را به خود اختصاص داده است. از میان ده مصرف‌کننده عمده تسلیحات در جهان،

1. Change

2. Zagby Internation

هفت تای آنها در خاورمیانه هستند (شون بام، ۱۳۸۱: ۵۵۳). با وجود وضعیت نابسامان اقتصادی کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه، ایالات متحده آمریکا همچنان به تشویق صادرات سلاح با هدف حمایت از منافع تسلیحاتی خود ادامه می‌دهد.

بر اساس نظریه موازنه تهدید، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در صورت تثبیت دولت‌های نوظهور که در اثر دومینوی انقلابات در خاورمیانه پدید می‌آیند، با تدابیر دیپلماسی فعال، دولت‌های منطقه را در برخی از حوزه‌های فعالیت سیاسی نظیر شاخصه‌های تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، به ویژه مساعی لازم در صدور قطعنامه‌های بین‌المللی، اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، اجلاس ضد تبعیض نژادی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان جنبش عدم تعهد، بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، ایجاد سازوکارهای حل و فصل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز، هماهنگی مشترک شبکه‌های رسانه‌ای و سیاسی در سفارتخانه‌های جهان جهت تأثیرگذاری بر رفتارهای مداخله‌گرایانه آمریکا و اسرائیل و سایر متحدان آن در منطقه و نیز تجدیدنظر در روابط دیپلماتیک، ترغیب نماید (جعفری، ۱۳۹۳: ۲۵). اجرایی‌شدن این اقدامات کار بسیار دشوار است؛ اگر دولت-ملت‌های خاورمیانه خواهان امنیت دیرپا هستند، گام نهادن در این مسیر و همراهی با جمهوری اسلامی ایران در کنترل امنیت خاورمیانه ضروری است. نظام دیپلماسی منطقه‌ای ایران نیز در این مسیر نیاز به بازنگری و کارآمدسازی دارد تا بر اساس رهیافت فرماندهی و کنترل و با استفاده از رویکرد فکری موازنه تهدید در عملیاتی‌کردن سیاست همراه‌سازی، اهتمام ورزد.

نتیجه‌گیری

کشورهای مختلف بر اساس نوع برداشت از منافع و امنیت خود، امنیت منطقه را در چارچوب اهداف ملی خود تعریف و تدبیر می‌نمایند. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مساعی برای ایجاد منطقه امن اسلامی به دنبال ارتقای قدرت راهبردی در منطقه خاورمیانه نیز می‌باشد. با توجه به سؤال پژوهش حاضر و مباحث تئوریک فرماندهی و کنترل، استراتژی‌های ایران برای تأمین امنیت منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش نشان داده شد ایجاد امنیت مشترک و پایدار در منطقه خاورمیانه در گرو مشارکت و همگرایی فکری همه دولت-ملت‌ها در یک ساختار مستقل از نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای، امکان‌پذیر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت مطرح در میان جهان اسلام و منطقه خاورمیانه، با توجه به اقدامات اعتماد ساز توسط مقامات ایران، می‌تواند با استفاده از دیپلماسی فعال تر، بستر لازم را برای پل زدن بر فراز جزایر دور از هم و پیوند استراتژیک

میان دولت -ملت‌های اسلامی منطقه فراهم سازد. در کنار دولت‌ها، گروه‌ها و جنبش‌های اصولگرای اسلامی نیز به «سیاست همراه سازی» روی خواهند آورد و نیز می‌توانند از حمایت نهادها و سازمان‌های قدرتمند منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز برخوردار شوند. در نهایت، دولت -ملت‌های اسلامی منطقه برای حل پایدار و برون رفت از این بن بست چاره‌ای جز تحمل ناامنی‌های موجود و یا پیوستن به اتحاد منطقه‌ای متقابل تحت عنوان «موازنه تهدید»، نخواهند داشت. به این ترتیب، در صورت ایجاد نظام «موازنه تهدید» کارآمد، ایالات متحده آمریکا در انتخاب حمایت از اسرائیل و یا منافع ملی خود، به طور قطع منافع ملی خود را در اولویت قرار خواهد داد؛ چرا که در سیاست خارجی آمریکا دوست یا دشمن دائمی وجود ندارد، ولی منافع ملی برای این کشور به عنوان یک «اصل حیاتی» و خدشه‌ناپذیر اهمیت محوری دارد. اجرای این پروژه گرچه آسان نیست ولی باتوجه به مورد گواه تاریخی (اتحادیه اروپا) امکان‌پذیر خواهد بود. تا چند سال پیش کسی فکر نمی‌کرد که دومینوی انقلابات در منطقه خاورمیانه شکل بگیرد؛ اما این پدیده گرچه هنوز به معنای واقعی تحقق نیافت به نظر می‌رسد ملت‌های اسلامی در آینده نزدیک به سمت حکومت دموکراسی و اتحاد منطقه امن خاورمیانه، گام بر می‌داند.

فهرست منابع

- امیرخانی، لیلان (۱۳۹۰). سامانه ارتباطات مشترک، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بیل، جیمز آلن (۱۳۸۱). سیاست‌های برتری جویانه: آمریکا و ایران، منطقه‌ای اسرائیلی شناسی - آمریکا شناسی، ۳(۱۰)، ۱۰۵-۱۲۲.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۳). استراتژی «موازنه تهدید» و امنیت دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۳(۹)، ۳۴-۱۱.
- حبیبی نیک بخش؛ مهدی هادیان (۱۳۹۵). الگوسازی سامانه هشدار اطلاعاتی نظام ملی در بحران‌های امنیتی با استفاده از الگوی هشدار هوایی سریع، فرماندهی و کنترل، ۱(۱)، ۴۰-۱۷.
- خوزه مرکوری، سان سن (۱۳۸۲). افکار عمومی اعراب، بررسی نظر سنجی در شش کشور عربی، ترجمه علی رستمی، مطالعات خاورمیانه، ۱۰(۲).
- شون بام، دیوید (۱۳۸۱). ایالات متحده و اسرائیل، ترجمه محمدرضا ملکی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صادقی، ابوالقاسم؛ ولوی، محمدرضا؛ محتشمی؛ غلامرضا و براری، مرتضی (۱۳۹۵). ارائه چارچوبی برای کنترل امنیت و قابلیت اطمینان سامانه‌های نهفته حیاتی از طریق بازیگر بندی، فرماندهی و کنترل، ۱(۲)، ۱۶-۱.
- عبدی، فریدون (۱۳۹۰). سامانه فرماندهی و کنترل C512 و بررسی نقش رایانه‌ها در آن، مدیریت نظامی، ۱۱(۴۲)، ۴۳-۷۰.
- عزتی، زهرا (۱۳۹۷). مروری بر مدل‌های فرماندهی و کنترل، <https://iust.academia.edu/ZahraEzati>
- کشتکار، مهران (۱۳۹۵). شناخت ضرورت‌های سامانه ارتباطی در شبکه فرماندهی و کنترل و رتبه بندی آن، فرماندهی و کنترل، ۱(۲)، ۶۵-۷۹.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹). نگاهی ژئوپولیتیک به زیربنای تحولات در سیاست‌های داخلی و خارجی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۵، ۱۶۰-۱۵۹.
- میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۸۵). دانشگاه به عنوان سازمان یادگیرنده و دانش‌آفرین، مجموعه مقالات همایش رویکرد نو در آموزش عالی دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، تهران: دانشگاه افسری امام علی (ع).
- Asseburg, Mriel, et al, (2012). "Political Science Perspectives and Agendas for Research on the Middle East and North Africa after the Arab Spring", In *Jorg Gertel and Anne-Linda Amira Augustin (Ed.)*, Conference Reader Realigning Power Geometries in the Arab World, Leipzig.
- Bahgat Gawdat (2007). "Iran and the United States: the Emerging Security Paradigm in the Middle East", *Parameters*, Vol. 37, No. 2.

- Banerjee Ayan, et al (2012). "Ensuring Safety, Security, and Sustainability of Mission-Critical Cyber-Physical Systems", *Proceedings of the IEEE*, Vol. 100, No. 1.
- Chubin, Shahram (2002). *Whither Iran? Reform, Domestic Politics and National Security*, Oxford: Oxford University Press.
- Gause, Gregory (2007). "Saudi Arabia: Iraq, Iran, The Regional Power Balance and the Sectarian Question", *Strategic Insights*, Vol. 6, No. 2.
- Leverett, Flynt and Hillary Mann Leverett (2013). *Going to Tehran: Why the United States must Come to Terms with the Islamic Republic of Iran*, New York: Metropolitan Books, Henry Holt and Company, LLC.
- Walt, Stephan (1987). *The Origins of Alliances*, Ithaca, New York: Cornell University Press.